

## تعدد و تکرار جرم و احکام آن

بحث مندرج در شماره ۱۰۲ مجله قانون و کلا به عنوان (کیفر و تکرار جرم) باعث تشویق و تحریک ذوق شده که بر تأیید نظریات نویسنده محترم مورد را از نظر قوانین حاکمه طبقه بندی نموده تا روشن شود که آیا احکام شماره ۲۱۰۲۷۳۸-۱۰-۵۹۹۰ و ۳۶۸۹ و ۳۶۸۹ و ۶-۷-۳۸ کدام یک با روح قانون، بیشتر هم آهنگی داشته و حاکم است. تردید نیست - قانونگذار در مواد ۵۹۲ و ۵۶۷ قانون آئین دادرسی پیوسته حکم مقدم را معتبر دانسته است.

اصالت این اصل شامل احکام شعبه و در یک دعوی و اصحاب یکدعوی بوده و آراء هیئت عمومی از حکومت این اصل خارج بوده و مسلماً انشاء و تصمیم مؤخر حاکم بوده و بنا بر این حکم شماره ۳۶۸۹ / ۶-۷-۳۸ وارد بر دو حکم مقدم بوده - اما چنانچه تاریخ صدور حکم ۳۶۸۹ مقدم بر دو فقره احکام دیگر بود - در اینصورت نیز با توجه به تاریخ اصلاح و تصویب مقررات مربوط به تعدد و تکرار و تخفیف حکم اخیر با ماده ۴۵ مکرر مصوب ۱۳۱۳ موافق تر بوده و اشکالات مندرجه در ذیل فراز ۲ ص ۷۳ متوجه نمی‌شود - و اینک در عقبه توضیح خود و با استخراج کلیه مواد ۲۴ و ۲۵ و ۴۴ و ۴۵ اصلی - مراتب زیر را اضافه مینماید .

مقدم بر نقل مواد و اشکالاتی که بر مواد تکرار جرم در مقام عمل وارد میشود. نهایت قسمتی از اشکالات را خود قانونگذار توجه و در شق ۳ مواد الحاقی تعیین تکلیف نموده (در مورد تعدد) اما در مورد تکرار اشکال باقی است که در قسمت خود توضیح میدهد. قبل از توضیح تاریخ تصویب مواد و اصلاحات آنها - چند سؤال مطرح میشود که جواب آنها - راهنمایی برای بحث خواهد شد .

سؤال اول - حقوقدانان جزاء به اجرای مجازات بیشتر نظر داشته‌اند یا بحکم مجازات از لحاظ شناساندن عمل قبیح و احتراز از گسترش آن ؟ خلاصه بمرض توجه داشته‌اند یا بمریض .

سؤال دوم - در صورتیکه پاسخ سؤال اول نسبت به مرض باشد در اینصورت وجود فصل نهم قانون کیفر همگانی و مواد ۴۳ الی ۵۴ قانون مزبور از لوازم و شرایط تطبیق قانون با نظریه پزشکان و دکترینهای حقوق جزا بوده که بالاتفاق عقیده دارند - از صد نفر مریض فقط چند نفر را باید با عمل جراحی معالجه نموده و حتی المقدور از جراحی نسبت به صدی نود باید احتراز نموده به تربیت اجتماعی معالجه کرد.

سؤال سوم - در صورت تطبیق دادن اجرای قوانین جزاء از لحاظ جلوگیری از مرض آیا قوانین فعلی به تنهایی کافی بوده و اگر کافی باشد صدی نود را چگونه باید معالجه کرد .

### پاسخ سئوالات

سؤال اول - هیچ تردید نیست که عمل جراحی و شدت مجازات نسبت به تمام مجرمین رویه‌ای بوده که دو هزار سال قبل در عصری که بشر با تعالیم کتاب‌های آسمانی رهبران الهی آشنا نبوده معمول می‌داشته ولی بعد از ظهور پیامبران همه آنها وسائل و طرق مؤثر و مفیدی برای جلوگیری از مرض و مداوای مرضا مقرر داشته‌اند که اگر همه ملل و انسانهای روی زمین - در مورد تطبیق دادن قوانین کیفری خود بر اساس يك فرم اتفاق نظر نموده و به يك نهج عمل کنند - قطعاً توفیق آنها در اصلاح جامعه مثمر خواهد بود.

بهیچوجه تنوع قوانین جزا و شدت مجازات وسیله جلوگیری از شیوع مرض و تقلیل پرونده‌های کیفری نبوده بلکه نتیجه معکوس دارد مؤید این حقیقت يك نظر اجمالی به آمار پرونده‌های مدنی و کیفری دیوان کشور است ده سال قبل آمار پرونده های فرجامی کیفری همیشه ۲۰۰ الی ۳۰۰ کارتن کمتر از پرونده‌های مدنی بوده اما امروز شماره کارتن پرونده‌های کیفری از ۶۳۰۰ تجاوز نموده و پرونده‌های مدنی ۴۲۰۰ است یعنی از بدو تشکیل دادگستری تاده سال قبل شماره کارتن پرونده‌های کیفری از ۳۰۰۰ کمتر بوده ... شماره پرونده‌های کیفری در ۶ ماهه دوم سال ۳۸ چنانچه در مقدمه ملاحظه میشود ۳۶۸۹ بوده و الان که ۷ سال و ۹ ماه از مهر ۳۸ می‌گذرد ۶۴۰۰ است - و در واقع آمار پرونده‌های کیفری ۴۷ سال مساوی با ۷ سال شده است - که هر گاه آمار احکام غیر قابل فرجام و دادگاههای کیفری غیر دادگستری را با احکام صادر از محاکم انتظامی و اداری وزارتخانه‌ها ضمیمه کنیم سرسام آور میشود - لذا تا وقت نگذشته و فساد و تباهی و مرض تمام شرائین جامعه را فرا نگرفته و جراحی عمومی را ملزم نساخته باید فکری کرد باینکه دید دوی قاطع و سرم مؤثر جلوگیری از شیوع مرض چیست .

هر گاه بگوئیم اصلاً مرض مزبور دوا نداشته و سرطان مزمن شده است. حقاً کفران نعمت نموده و باید استغفار کنیم پس دوا دارد و خوشبختانه باید به خود و نسل جوان تبریک بگوئیم. دواى مزبور در کشور ما خیلی زود کشف شده که نه فقط کافی برای معالجه خودمان است - بلکه به تمام جهان برایگان عرضه شده - دواى قاطع توسل و استغاده از طرق زیر است .

۱- مبارزه با جهل .

۲- پیکار با فقر که ناشی از تنبلی است .

۳- اصلاح و وضع قوانین متناسب با زمان و سپردن اجرای آن به قضات تحصیل کرده . با اجرای قوانین انقلاب و ابتکار شاهنشاهی آریامهر در مورد تأسیس سپاه دانش و بهداشت و آبادانی و بعد اعلام منشور مبارزه با جهل در تمام جهان - خود قدم اساسی و بلکه پی‌ریزی يك حسن تفاهم و برادری جهانی است که نه فقط از شیوع جرم جلوگیری می‌کند - بلکه با اجرای منشور مبارزه با جهل دنیا را به صلح پایدار میرساند نهایت - به ثمر رسیدن این بذر سالم زمان لازم دارد و نهالی است که کاشته شده و خشک شدن آن دیگر محال است .

اما دواى دوم - با اجرای نسخه اول بخودی خود فراهم می‌شود - تردید نیست . تنبلی و فقر که مولود یکدیگرند ناشی از جهل است. انسان عالم نمی‌تواند وقت خود را به بطالت گذرانده و فقر گریبانگیر او شود. با توسعه منابع طبیعی و خدادادی و تأسیس اینهمه کارخانه‌های بزرگ و مهار کردن میاه عمومی که خدای بزرگ برای بندگان خود میفرستد بهره برداری از سدهای متعدد کشور که روز بروز به تعداد آن اضافه میشود - مجال و فرصتی برای جوانان باقی نمیگذارد تا اینکه دنبال فساد بروند .

وقتی تمام افراد کشور در حدود استعداد و لیاقت خود توانستند از نعمت دانش برخوردار شوند بقدر استعداد خود برای آنها کار و وسیله معاش آبرومند فراهم میشود و بفرموده مولانا در کتاب مثنوی .

جملة ذرات عالم در جهان      با شما گویند روزان و شبان  
ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم      با شما نامحرمان ما خامشیم

به آنچه و هر چه در کتاب آسمانی قرآن مجید خدای بزرگ وعده فلاح فرموده باید ممناً مؤمن بود - خداوند بزرگ حامی و منبع فیض و سعادت بندگان عالم خود می‌باشد - بهمین جهت ممکن نیست. وقتی جامعه از نور دانش بهره‌مند شدند. بطریق اولی اندیشه کار زشت در ضمیر آنها رسوخ پیدا نمی‌کند و تا امروز دیده و شنیده نشده - يك انسان تحصیل کرده بیکار بماند و اندیشه بد داشته باشد.

با اجتماع دو مقدمه فوق. البته باید در قوانین کیفری تجدید نظر نموده و از وضع فعلی خارج ساخته سعی کرد تا ممکن است از توسل به جراحی احتراز شود. قوانین کیفری فعلی ما از جهت اینکه مریض قابل علاج بدون لزوم جراحی با مریض غیر قابل علاج بایک فرم عمل میشود، تفکیک نمود. که ذیلاً برتأیید نظریات مندرجه در شماره ۱۰۲ مجله توضیح خواهم داد.

توضیح مواد ۲۴ و ۲۵ و ۴۴ الی ۵۲ قانون کیفر همگانی:

۱- تدوین قانون کیفر همگانی در ۱۳۰۴ بوده. نهایت بعد از تشکیلات جدید اصلاحاتی شده و قوانین زیاد کیفری دیگر مقرر شده است که تمام آنها شایسته تجدید نظر است یعنی در تمام قوانین مزبور طبقه بندی جرائم- ( از جهت جنبه عمومی و خصوصی رعایت نشده) در صورتیکه مدونین حقوق جزا بدو جرائم را طبقه بندی نموده و بعد بر اساس طبقه بندی جرایم مجازات معین کرده اند. و در مقام توجیه مطلب جرائم از محدوده ۳ شق زیر خارج نمی باشد.

طبقه اول- جرائمی است که ذاتاً و فطرتاً عمل مزبور مذموم و در نظام اجتماع مؤثر بوده و خود جرم مسلط و حاکم بر قانون است. (مانند قتل - منافیات عفت - سرقت - و امثال آن).

طبقه دوم- جرائمی است که ارتکاب آنرا قانون نهی کرده ولی از نظر اهمیت و تأثیر آن نسبت به جامعه در ردیف طبقه اول نیست. مانند انتقال مال غیر - ثبت ملک غیر - معامله معارض و امثال آن - مثلاً ماده ۱۱۷ قانون ثبت یا جزء هشتم قانون خرداد ۱۳۰۸ که ردیف جعل در اسناد رسمی قرار داده شده و جنبه عمومی داده اند.

در صورتیکه بهیچوجه جرائم مزبور جنبه عمومی نداشته و در این مورد باید بمریض توجه داشت نه به مرض اگر قابل معالجه باشد - معالجه نمود همه را جراحی نکرد.

طبقه سوم - جرائمی است که باقتضای زمان قانون گذار نهی فرموده یا اصلاحش از قانون پیش گیری از مرض است. مثل قانون منع کشت خشخاش که دولت برای جلوگیری از توسعه مرض بین جامعه - تحمل زیان و ناراحتی موقتی را برای افراد جامعه خود مفید دانسته و توصیه نموده ( خشخاش کشت نشود و تریاک خرید فروش نشود ).

بهیچوجه قانون گذار نظر نداشته به زارعی که توصیه نموده زراعت مزبور را نکند یا با قاچاقچی در اخفاء و حمل کمک نکند چنانچه باد چنددانه تخم خشخاش را بمزرعه او انداخته و سبزشد یا کسی از باب غرض از راه دوستی خانه اورفته يك سیر تریاک دور از چشم او زیر فرش او گذاشت بعد خودش برای استفاده از حق کشف مامور اطلاع داد - با او معامله يك متهم جنائی بلکه شدیدتر نموده - و در مقام قضاوت در سطح ظاهر ماده منجمد شده و قاضی

از قدرت قانونی مندرجه در ماده ۴۵ استفاده نکند .

۲- ماده ۲۴ اصلاح شده در ۱۳۱۰

از توجه به عبارت ذیل شق ۲ ماده مزبور- که با مواد الحاقیه بجای مواد ۳۲ و ۳۳ مصوب ۱۳۱۱ تباین داشته- و هر دو این قوانین با شق ۳ ماده ۲۵ مغایرت داشته و بالاخره ماده ۴۵ مکرر مؤخر التصویب وارد بر آنها است- نیز معارضه دارد- قبل از بیان تعارض آنها مثال زیر و اشکالی که در مورد خود ماده ۲۴ اصلاحی وجود دارد طرح مینماید .

شق ۲ ماده ۲۴- کسی که بحکم لازم الاجراء محکوم به حبس تادیبی بیش از دو ماه شده و در ظرف ۵ سال از تاریخ اتمام مجازات مرتکب جنحه مهم یا جنایت گردد- خواه حکم سابق اجراء شده خواه نشده الاخر ،

فرضاً یکنفر از جهت سرقت ماده ۲۲۲ محکوم به حبس دائم با اعمال شاقه شده که حکم هنوز اجراء نشده - ولی دو سال بعد مرتکب سرقت ماده ۲۲۷ شده و دستگیر شد.

ماده ۲۴ و ۲۵ چگونه اجراء شود در صورتیکه هنوز از جهت محکومیت اول شرط (اتمام مجازات) تحقق نیافته و غیر قابل تحقق است- چون مجازات حبس دائم بوده .

اشکال دیگر- فرض کنیم جرم دوم یعنی سرقت ماده ۲۲۷ که حداقل دو ماه و حداکثر دو سال است- اگر این محکوم ۵ سال بعد از حکم اول مرتکب سرقت دوم شد- در این صورت ماده ۲۴ چطور عمل شود زیرا هنوز اجراء مجازات حکم اول شروع نشده تا تکرار صادق باشد کما اینکه مجازات جرم اول حبس دائم بود.

اشکال سوم- با توجه به ماده ۵۲ .

چنانچه از تاریخ صدور حکم قطعی به حبس ابد ۱۵ سال گذشته است و بعد از ۱۵ سال مرتکب سرقت ماده ۲۲۷ شد با او چگونه عمل شود. اگر ماده ۵۲ را شامل او بدانیم که از مجازات معاف شده ولی بر طبق شق ۲ ماده ۲۴ اصلاحی خسرداد ۱۳۱۰ هنوز مجازات محکومیت اول اجراء نشده است .

اشکال چهارم- کسی به موجب حکم قطعی از لحاظ سرقت ماده ۲۲۵ به ۱۰ سال حبس با اعمال شاقه محکوم شده که ۵ سال بعد از حکم قطعی مرتکب سرقت ماده ۲۲۷ شد. در این صورت کدام مجازات در باره او اجراء شود اگر بگوئیم حداکثر مجازات جرم دوم (یعنی دو سال یا بیشتر) هنوز شرط تکرار (اتمام مجازات) تحقق نیافته. اگر بگوئیم مشمول تکرار نیست. آیا مجدداً محاکمه و محکوم شود چه مجازاتی برای او مقرر و اجراء شود.

اشکال پنجم - چنانچه ارتکاب به جرم دوم یعنی ماده ۲۲۷ شانزده سال بعد از تاریخ حکم قطعی و چهار سال قبل از اتمام مجازات محکومیت اول بوده . در این صورت با وجود ماده ۵۲ که از مجازات جرم اول معاف شده اما از نظر عدم اتمام مجازات مشمول ماده

۲۴ است.

اشکال ششم - در تمام فرض فوق که مشمول ماده ۲۴ نشده و مجازات حکم اول را نیز تحمل نکرده در این صورت آیا در مقام رسیدگی جرم دوم ماده ۲ الحاقیه مصوب ۱۳۱۱ را که موخر و وارد بر مواد ۲۴ و ۲۵ است در مورد او اجراء کنیم یا خیر از نظر تکرار که شامل نیست از نظر تعدد هم که قبلاً حکم محکومیت او صادر شده

۳- شق ۳ ماده ۲۲۵ اصلاح شده در ۱۳۱۰

هر گاه مجرم بیش از دو سابقه محکومیت جنائی یا جنحه مهم داشته باشد مجازات او یکدجه تشدید میشود و نباید از دو برابر حداقل مجازات اشد کمتر باشد. غرض از مجازات اشد کدام است.

اگر مجازات اشد جرم اول دو سال حبس بوده ولی به سه ماه محکوم شده و مجازات اشد جرم دوم ۱۵ سال است و اقل آن ۵ سال اگر بگوئیم مجازات اشد جرم اول که تحصیل حاصل است یعنی حداقل مجازات جرم دوم ۵ سال و بیشتر از دو برابر حداکثر جرم اول است کما اینکه دست قاضی باز است بدون توسل به ماده ۲۴ میتواند از ۵ الی ۱۵ سال محکوم کند اگر بگوئیم غرض قانونگذار مجازات اشد جرم دوم است که حداقل آن ۵ سال و دو برابر آن ده سال میشود بعلاوه چگونه سزاوار است کسی که شاید در مرتبه اول گناه نداشته و تصادفاً به ۶ ماه محکوم شده هم مجازات جرم اول را تحمل کند هم باعتبار آن به دو برابر حداقل مجازات جرم دوم محکوم شود.

۴- ماده ۴۵ مکرر قانون ۱۵ خرداد ۱۳۱۳ مؤخر بر مواد ۲۴ و ۲۵

در مورد تکرار یا تعدد جرم و هم چنین در کلیه مواردی که مطابق قانون مجرم باید به حداکثر مجازات محکوم شود هر گاه محکمه موجبات تخفیف مجازات را موجود بداند میتواند مرتکب را به کمتر از حداکثر محکوم کند بدون اینکه بتواند مجازات را به کمتر از حداقل تنزیل دهد.

بنا بر مراتب فوق و بموجب ماده مزبور نظریه و حکم شماره  $\frac{۳۶۸۹}{۳۸-۷-۶}$  هیئت عمومی

با روح قانون موافق تر بوده و ماده ۴۵ مکرر وارد بر تمام اصلاحات بوده و میباشد.

۵- بر تأیید مراتب فوق و بالحاظ ماده ۶ قانون کیفر همگانی کلیه ابهامات مندرجه در مواد و اشکالات مذکور فوق را باید به نفع متهم تفسیر نموده با اضافه اینکه هر گاه مجازات محکومیت اول شدید باشد نصاب جرم دوم را مراعات و هر گاه مجازات جرم دوم شدید باشد نصاب جرم اول مراعات شود.